

زنان در عرصه تولید کتاب

چکیده:

در این مقاله کوشش شده است تا کتاب‌های تألیف یا ترجمه شده به دست زنان در فاصله سال‌های ۶-۱۳۷۴، از حیث موضوع، تألیف یا ترجمه بودن، ویراست، نوبت چاپ، محل چاپ، قطع، تعداد صفحات، جلد، قیمت، شمارگان، سال نشر، شاخص ارزش ریالی و نوع کتاب در مقایسه با مردان بررسی شود. در حالی که روند سه ساله نشر کتاب، حاکی از افزایش درصد تألیف کتاب توسط زنان است. اما در سال ۷۶ مردان چهاربرابر زنان کتاب تألیف کرده‌اند و در مجموع شاخص ارزش ریالی کتاب‌های تألیفی مردان، تقریباً ۶/۶ برابر رقم مشابه برای زنان است. این تفاوت‌ها با نسبت زنان با سواد به مردان باسواد و همچنین میزان فعالیت اقتصادی زنان در ارتباط است.

○ مژده کیانی

مدرس دانشگاه پیام‌نور - شهرکرد

بیش از دو دهه از طرح موضوع نقش زنان در توسعه عرصه‌ی بین‌المللی می‌گذرد. اگرچه نتایج و پیامدهای آن در کشورهای مختلف، متفاوت است، اما نشان می‌دهد که فرایند توسعه با خود، نابرابری را برای مردان و زنان کشورهای در حال توسعه، به دنبال آورده است. از آنجا که کفه سنگین این نابرابری به نفع مردان است، مردان بهره‌وران و زنان قربانیان فرایند توسعه در این کشورها بوده‌اند. آثار این نابرابری در حوزه‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کاملاً مشهود است. حوزه چاپ و نشر به عنوان یکی از بخش‌های عرصه فرهنگ نیز از این نابرابری در امان نیست. این مقاله باهدف شناسایی این نابرابری‌ها به مقایسه وضعیت زنان در حوزه کتاب‌نویسی طی سال‌های ۷۶-۱۳۷۴ می‌پردازد. این تحلیل مقایسه‌ای براساس معیارهایی چون: موضوع، تألیف، ترجمه، ویرایش، نوبت چاپ، محل چاپ، قطع کتاب، تعداد صفحات، نوع جلد، قیمت، شمارگان، شاخص ارزش ریالی و خوانندگان کتاب (کودک و بزرگسال)، انجام می‌گیرد.

در سال‌های ۷۶-۱۳۷۴ مجموعاً ۳۹۹۲۶ جلد کتاب منتشر شده که از این تعداد ۲۲۹۶۶ جلد، تالیف و ۱۰۲۳۵ جلد ترجمه شده‌اند. وضعیت ۶۷۲۵ جلد نامشخص است. از مجموع کتاب‌های تألیفی با یک مؤلف ۸۴/۸ درصد به مردان و ۱۵/۲ درصد به زنان تعلق دارد. روند تغییرات فوق در طی سال‌های فوق در جدول ۱ نمایش داده شده است:

جدول ۱: توزیع نسبی کتب تألیفی برحسب سال انتشار و جنسیت مؤلف

جنسیت مؤلف	۱۳۷۴ (درصد) تعداد	۱۳۷۵ (درصد) تعداد	۱۳۷۶ (درصد) تعداد
مرد	۵۹۸۱ (۸۷/۲)	۷۲۴۰ (۸۶/۸)	۵۷۳۴ (۸۰/۰)
زن	۸۷۸ (۱۲/۸)	۱۰۹۹ (۱۳/۲)	۱۴۳۲ (۲۰/۰)
کل	۶۸۵۹ (۱۰۰)	۸۳۳۹ (۱۰۰)	۷۱۶۶ (۱۰۰)

با توجه به جدول فوق، از سال ۷۴ از سهم نسبی مولفین مرد کاسته شده در مقابل سهم نسبی زنان در تألیف کتاب از ۱۲/۸ درصد در سال ۷۴ به ۲۰ درصد در سال ۷۶ رسیده است. اگرچه این روند نشان‌دهنده افزایش حضور زنان در عرصه تألیف کتاب است، اما شکاف بین سهم زنان و مردان بسیار عمیق است و از ساخت فرهنگی - اجتماعی جامعه تبعیت می‌کند. در واقع، تسلط مردان بر بازار نشر کتاب را شاید بتوان نشانه‌ای از باورهای مردسالارانه حاکم بر جامعه دانست. این مساله باعث موفقیت مردان در جلب نظر ناشران جهت چاپ کتاب نیز می‌شود.

جدول ۲: توزیع نسبی کتب ترجمه شده برحسب سال و جنسیت مترجم

سال	۷۴	۷۵	۷۶	کل
مرد	۲۷۳۴ (۸۸/۵)	۳۱۵۷ (۸۷/۷)	۳۱۱۹ (۸۸)	۹۰۱۰ (۸۸)
زن	۲۹۲ (۹/۴)	۳۶۳ (۱۰/۱)	۳۶۱ (۱۰/۲)	۱۰۱۶ (۹/۹)
سازمان	۶۵ (۲/۱)	۷۸ (۲/۲)	۶۶ (۱/۹)	۲۰۹ (۲)
کل	۳۰۹۱ (۱۰۰)	۳۵۹۸ (۱۰۰)	۳۵۴۶ (۱۰۰)	۱۰۲۳۵ (۱۰۰)

طی سال های ۷۶-۱۳۷۴، روند مشارکت زنان در تالیف و ترجمه کتاب

افزایشی یافته است

به همین علت، سهم نسبی زنان و مردان در عرصه ترجمه کتاب نیز وضعیت مشابهی داشته است. در طی این سال ها اگرچه سهم نسبی داشته است، اما در مقایسه با مردان، درصد بسیار پائینی را نشان می دهد: ۸۸ درصد در مقابل ۱۰ درصد به عبارت دیگر مردان در حدود ۹ برابر زنان ترجمه کرده اند.

جدول ۳: توزیع نسبی کتب منتشر شده برحسب موضوع و جنسیت مؤلف

موضوع	مؤلف مرد (درصد) تعداد	مؤلف زن (درصد) تعداد
کلیات	۷۷۱ (۴/۱)	۸۷ (۲/۶)
فلسفه و روانشناسی	۵۳۹ (۲/۸)	۵۵ (۱/۶)
دین	۵۰۹۴ (۲۶/۹)	۴۴۴ (۱۳/۰)
علوم اجتماعی	۱۴۲۳ (۷/۵)	۴۶۶ (۱۳/۷)
زبان	۱۶۷۰ (۸/۸)	۳۱۴ (۹/۲)
علوم محض	۲۴۸۲ (۱۳/۱)	۵۱۹ (۱۵/۲)
علوم عملی	۱۸۴۰ (۹/۷)	۳۷۰ (۱۰/۹)
هنر	۶۰۱ (۳/۳)	۱۳۷ (۴/۰)
ادبیات	۳۷۹۳ (۲۰/۰)	۸۵۵ (۲۵/۱)
تاریخ و جغرافیا	۷۳۵ (۳/۹)	۱۵۶ (۴/۶)
نامشخص	۷ (۰)	۶ (۰/۲)
کل	۱۸۹۵۵ (۱۰۰)	۳۴۰۹ (۱۰۰)

همچنین تفاوت بین زنان و مردان مؤلف برحسب موضوع کتاب نیز به لحاظ آماری اختلاف معنی داری را نشان می دهد.

سهم موضوعات ادبی با ۲۵/۱ درصد در میان کتب تالیف شده توسط زنان بالاترین نسبت را نشان می دهد، اما مردان مؤلف با سهمی حدود ۲۷ درصد بیش از سایر موضوعات به دین پرداخته اند. در حالی که سهم نسبی زنان در تالیف کتاب های دینی تقریباً ۱/۴ مردان بوده است. اما در حوزه ادبیات، تفاوت بین زنان و مردان چندان زیاد نیست (۲۵ درصد در مقابل ۲۰ درصد). موضوعات فلسفی و روان شناسی کمترین سهم تالیف را برای هر دو جنس داشته است. علی رغم سهم اندک زنان در تالیف کتاب، نسبت کتاب های تألیفی زنان در موضوعات علوم محض، علوم اجتماعی، علوم عملی، زبان، هنر و تاریخ و جغرافیا بیشتر است. برای مثال زنان در علوم اجتماعی تقریباً دو برابر مردان، تالیف کرده اند. یکی دیگر از موضوعات توزیع نسبی سهم زنان و مردان در عرصه استفاده کنندگان کتاب کودک و بزرگسال است که در جدول ۴ نمایش داده شده است.

جدول ۴: توزیع نسبی کتب منتشر شده برحسب نوع کتاب و جنسیت مؤلف

نوع کتاب	مؤلف مرد (درصد) تعداد	مؤلف زن (درصد) تعداد
کودکان	۲۳۷۵ (۱۲/۵)	۱۰۱۷ (۳۹/۸)
بزرگسالان	۱۶۵۸۰ (۸۷/۵)	۲۳۹۲ (۷۰/۲)
کل	۱۸۹۵۵ (۱۰۰)	۳۴۰۹ (۱۰۰)

در حالی که ۱۲/۵ درصد از کتاب‌های تألیفی مردان به کودکان اختصاص دارد، این نسبت در مورد زنان به ۳۰ درصد می‌رسد.

در تبریز فراوانی نسبی کتاب‌های تالیفی زنان تقریباً دوبرابر مردان است

در حالی که ۱۲/۵ درصد از کتاب‌های تألیفی مردان به کودکان اختصاص دارد، این نسبت در مورد زنان به ۳۰ درصد می‌رسد. بنابراین زنان توجه بیشتری را به کودکان نشان داده‌اند و با توجه به اینکه بالاترین فراوانی موضوعی کتاب‌های تالیفی زنان به ادبیات اختصاص دارد، بنابراین زنان مؤلف بیشتر در حوزه ادبیات کودکان فعال بوده‌اند. در عین حال مقایسه کتاب‌های کودکان و بزرگسالان نشان می‌دهد حدود ۴۶ درصد از کتاب‌های تالیفی درباره کودکان به موضوع ادبیات اختصاص دارد در حالی که در میان کتب مربوط به بزرگسالان ۱۵ درصد به ادبیات اختصاص داده شده است.

محل نشر کتاب یکی دیگر از متغیرهای قابل بررسی در موضوع تفاوت‌های زنان و مردان در حوزه نشر کتاب است.

جدول ۵: توزیع کتاب‌های منتشر شده برحسب محل نشر و جنسیت مولف

محل چاپ	مؤلف مرد (درصد) تعداد	مؤلف زن (درصد) تعداد
تهران	۱۵۵۵۹ (۸۲/۱)	۳۱۳۱ (۹۱/۸)
قم	۲۳۸۵ (۱۲/۶)	۱۵۲ (۴/۵)
مشهد	۳۵۹ (۱/۹)	۲۳ (۰/۷)
تبریز	۱۲۲ (۰/۶)	۳۶ (۱/۱)
اصفهان	۱۲۳ (۰/۶)	۱۷ (۰/۵)
شیراز	۱۱۲ (۰/۶)	۵ (۰/۱)
سازمان	۲۰۲ (۱/۱)	۲۴ (۰/۷)
سایر	۹۳ (۰/۵)	۲۱ (۰/۶)
کل	۱۸۹۵۵ (۱۰۰)	۳۴۰۹ (۱۰۰)

جدول ۵ نشان می‌دهد که بین زنان و مردان مولف با توجه به محل نشر نیز تفاوت بسیار زیادی وجود دارد. شهر تهران بالاترین نسبت را برای هر دو جنس نشان می‌دهد در مورد شهرستان‌ها سهم مردان از کتب چاپ شده در شهرستان قم بسیار بیشتر از زنان است (تقریباً ۳ برابر) در حالی که در تبریز اگرچه برای هر دو جنس، فراوانی نسبی تالیف پائین است، اما فراوانی نسبی کتاب‌های تالیفی زنان تقریباً دوبرابر مردان است.

فزون‌ترین سهم زنان مولف در بازار نشر کتاب تهران به عوامل مختلف برمی‌گردد. مجموعه شرایط بازار کتاب از قبیل تنوع سلیقه خواننده، تعداد زیاد دانشگاه و دانشجو، ریسک ناشر جهت چاپ کتاب‌های متنوع و... در تهران با سایر شهرستان‌ها متفاوت است. همچنین تمرکز تعداد زیادی از ناشران، مولفان، مترجمان و چاپخانه‌ها در تهران به این تفاوت دامن می‌زند. به طوری که تهران، طی سال‌های ۷۶-۱۳۷۴ در نشر کتاب، سیر صعودی داشته و از ۸۱ درصد در سال ۷۴ به ۹۱ درصد در سال ۷۶ رسیده است.

نوبت چاپ یا تجدید چاپ، متغیر دیگری است که برای مقایسه زنان و مردان قابل توجه است و در چاپ کتاب تأثیر بسیار زیادی بر سرمایه‌گذاری ناشران دارد. جدول ۶: توزیع کتاب‌های منتشر شده برحسب نوبت چاپ و جنسیت مولف

نوبت چاپ	مؤلف مرد (درصد) تعداد	مؤلف زن (درصد) تعداد
اول	۹۳۸۶ (۴۹/۰)	۱۷۱۵ (۵۰/۳)
دوم	۲۹۴۱ (۱۵/۵)	۵۹۹ (۱۷/۶)
سوم	۱۶۶۷ (۸/۸)	۲۹۸ (۸/۷)
چهارم	۱۰۵۴ (۵/۶)	۱۹۴ (۵/۷)
پنجم و بیشتر	۳۴۷۷ (۱۸/۳)	۵۳۷ (۱۵/۸)
نامشخص	۵۳۰ (۲/۸)	۶۶ (۱/۹)
کل	۱۸۹۵۵ (۱۰۰)	۳۴۰۹ (۱۰۰)

در سال‌های بررسی شده سهم کتاب‌های خانوار در تولید ناخالص داخلی و رقم مشابه برای مردان ۱۵٪ درصد بوده است و این می‌تواند حاکی از موفق تر بودن زنان در شناخت علایق و رفتار مصرف‌کننده باشد

در مجموع سه سال، فراوانی کتاب‌های تجدید چاپ شده اندکی بیش از چاپ اول است. سال ۷۴، از همین الگو پیروی می‌کند، در حالی که در سال ۷۶، فراوانی کتاب‌های چاپ اول نسبت به کتاب‌های تجدید چاپ شده بالاتر بوده است. یعنی روند تاحدودی معکوس شده است به طوری که چاپ اول از ۴۸/۳ درصد در سال ۷۴، به ۵۱/۹ درصد در سال ۷۶ رسیده است. بررسی همین تغییرات با توجه به جنسیت مؤلفین نشان می‌دهد که فراوانی نسبی مردان با ۴۹ درصد تالیف چاپ اول اندکی کمتر از مشابه برای زنان بوده است. از این رو، شاید بتوان امیدوارانه نتیجه گرفت که تغییرات در روند سه ساله کتاب‌های چاپ اول و افزایش آن متأثر از کارهای زنان مولف است که نشان می‌دهد، تا حدود زیادی فضای مناسب برای مشارکت اجتماعی - اقتصادی زنان فراهم شده است.

تجدید چاپ کتاب از دید ناشر برای شناخت رفتار مصرف‌کنندگان کالای فرهنگی و احیاناً تغییر سلیقه و گرایش مصرف‌کننده مرتبط است. حوزه‌ای که مصرف‌کننده از آن استقبال می‌کند، پانگییاریت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه پیوند می‌خورد چنان که عنوان شد، طی سال‌های ۷۶-۱۳۷۴، روند مشارکت زنان در تالیف و ترجمه کتاب افزایش نشان می‌دهد، در عین حال در طی این سال‌ها درصد نشر کتاب‌های ادبی نیز افزایش نشان می‌دهد و نقش زنان در این افزایش بیشتر بوده است. از طرفی در سال‌های بررسی شده سهم کتاب‌های چاپ دوم تالیف زنان، ۱۷/۶ درصد است. در حالی که فراوانی مشابه برای مردان ۱۵/۵ درصد می‌باشد. می‌توان چنین تعبیر کرد که زنان در شناخت علایق و رفتار مصرف‌کننده، موفق تر بوده‌اند. البته این مساله در تغییر نگاه ناشران به زنان مولف، موثر خواهد بود در مورد چاپ سوم و چهارم تفاوت خاصی مشاهده نمی‌شود. اما مردان در کتاب‌های چاپ پنجم و بالاتر سهم بیشتری را به خود اختصاص داده‌اند. این تفاوت که طبیعی به نظر می‌رسد ناشی از آن است که زنان در سال‌های دورتر به دلایل مختلف در کتاب‌نویسی مشارکت کمتری داشته‌اند.

در مورد نوع جلد نیز اختلاف معنی‌داری بین زنان و مردان مولف وجود دارد. جلد شمیم (مقوایی) با ۸۸/۴ درصد بالاترین درصد را برای زنان به خود اختصاص داده است. اگرچه برای مردان نیز جلد شمیم با ۷۸/۳ درصد بالاترین درصد است اما اختصاص جلد گالینگور با ۱۳/۴ درصد به کتاب‌های مؤلفین مرد، نشان‌دهنده تاثیر قیمت و هزینه‌های چاپ کتاب روی انتخاب ناشران است. مقایسه میانگین صفحات مؤلفین مرد و زن نیز تفاوت معنی‌داری را نشان می‌دهد میانگین صفحات کتب مؤلفین مرد، ۲۷۸ صفحه و رقم مشابه برای زنان ۱۹۸ صفحه است. حداکثر صفحات یک کتاب برای مؤلف مردان ۶۶۲۴ صفحه و برای زنان ۸۲۰۰ صفحه بوده است. مقایسه زنان و مردان مولف از نظر قطع کتاب منعکس‌کننده اختلافی بارز است. قطع وزیری با ۵۲/۴ درصد برای کتب مؤلفین مرد بالاترین سهم را دارد. در مورد سایر موارد تفاوت زیادی مشاهده نمی‌شود مگر در مورد قطع خشتی، که سهم زنان ۱۱/۱ درصد و سهم مردان، ۴/۷ درصد است. این موارد نیز منعکس‌کننده تاثیر اقتصاد نشر بر تصمیم‌گیری ناشران می‌باشد.

در مورد شمارگان کتاب و قیمت، اختلافی معنی‌دار بین کتاب‌های زنان و مردان مولف مشاهده شده است. میانگین شمارگان هر کتاب برای مؤلفین مرد ۵۲۱۶ و برای مؤلفین زن ۶۴۵۹ است. حداکثر شمارگان کتاب‌های تالیف شده مردان ۱۶۵۰۰۰ در مقابل شمارگان ۱۲۰۰۰ برای مؤلفین زن است که اختلافی معنی‌دار را نشان می‌دهد.

میانگین قیمت هر کتاب تالیفی مردان ۸۲۳۹ ریالی ولی رقم مشابه برای زنان ۵۸۲۵ ریال بوده است. این تفاوت نیز منعکس‌کننده مشکلات ساختاری جامعه در مورد زنان است. به رغم این که میانگین شمارگان کتاب‌های مؤلفین زن بیشتر از کتاب‌های مؤلفین مرد است؛ در مورد قطع کتاب، نوع جلد، میانگین صفحات و سرانجام قیمت کتاب (که در واقع متأثر از قطع و نوع جلد است) اختلاف بین مؤلفین زن و مرد، به نفع مردان است. البته این مسئله می‌تواند ناشی از سهم بیشتر زنان در بازار چاپ و نشر کتب کودکان باشد که از حیث این متغیرها در سطح نازل‌تری قرار دارند. مقایسه شاخص ارزش ریالی تناسب‌های تولید شده در مورد مؤلفین زن و مرد، اختلافی معنی‌دار را نشان می‌دهد. این شاخص برای مؤلفین مرد ۶۰۸/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ نسخه ریال* و برای مؤلفین زن ۹۱/۹۰۰/۰۰۰/۰۰۰ نسخه ریال بوده است. میانگین این شاخص برای مؤلفین مرد، ۳۳/۹۳۳/۹۴۷ نسخه ریال و برای مؤلفین زن، ۲۷/۹۲۵/۰۹۱ نسخه ریال بوده است. به عبارت دیگر، شاخص ارزش ریالی کتاب‌های تالیفی مردان تقریباً ۶/۶ برابر رقم مشابه برای زنان است. این شاخص نیز به نوعی منعکس‌کننده میزان سرمایه‌گذاری ناشران برای کتاب‌های تالیفی زنان است.

اگرچه در مورد اکثر شاخص‌های بررسی شده، نابرابری مردان و زنان مشهود و کفه ترازو به نفع مردان است در عین حال پیشرفت‌های آشکار زنان در یک دوره کوتاه مدت، نویدبخش این است که با فراهم‌سازی بستر مناسب برای فعالیت‌های فرهنگی - اجتماعی زنان، عرصه رقابت کتاب، عادلانه‌تر و واقع‌گرایانه‌تر خواهد شد. البته همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، حوزه کتاب متأثر از ساخت اقتصادی - اجتماعی حاکم بر جامعه است. طبق گزارش توسعه انسانی در سال ۱۳۷۵، نرخ فعالیت اقتصادی زنان فقط ۲/۱۴ درصد بوده است. پایین بودن سهم نسبی فعالیت اقتصادی زنان در کشور و غیرقابل مقایسه بودن با رقم مشابه برای مردان در همه سطوح و حوزه‌های کاری، منعکس است و حوزه کتاب نیز مستثنی نیست.

پی‌نوشت:

* این شاخص حاصل ضرب قیمت در شمارگان کتاب است.